



Investigating the Strategies for Achieving Economic Security Based on Imami Jurisprudence

Mohammad Reza Gorgani Firouzjaei*

Majid Vaziri**

Ali Behraminejad***

Abstract

The study of security is a forbidden category; Easy because all human beings have knowledge about it and abstain because it includes different dimensions and pillars. One of the dimensions of security is called economic security, the reference of this security and the strategies for its realization are always discussed. In the present discussion, this issue has been studied in a more important sense in the light of Imami jurisprudence and we have come to the conclusion that jurists have paid attention to various aspects of economic security of individuals and stated three categories of jurisprudential rules to protect security and economic rights of individuals. These rules are divided into three parts:

1- Rules that prohibit the attack on economic security, 2- Rules that emphasize economic security, 3- Rules that restrict economic security. In the end and as a conclusion of the discussion, an attempt has been made to present the most important rules related to economic security under the title of security reference, among the studied rules, and to express the strategies for achieving economic security from the Islamic point of view.

Keywords

Economic Security; Imami Jurisprudence; Rules of Jurisprudence.
JEL Classification

* PhD Student, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Faculty of Literature and Humanities, Tehran, Iran. z.eslami@live.com

** Associate Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Faculty of Literature and Humanities, Tehran, Iran (Corresponding Author). dr.majid.vaziri@gmail.com

*** Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Faculty of Literature and Humanities, Tehran, Iran. ali.b.nejad@gmail.com

Received: 2022/05/16

Accepted: 2022/09/12

بررسی مفهوم امنیت اقتصادی با تکیه بر قواعد فقه امامیه

علی بهرامی نژاد***

مجید وزیری**

محمد رضا گرگانی فیروزجانی*

چکیده

مطالعه درباره امنیت، مقوله‌ای سهل و ممتنع است؛ سهل از این رو که افراد نسبت به آن علم حضوری دارند و ممتنع از این رو که معانی، ابعاد و ارکان مختلفی را شامل می‌شود که تا حدودی ناشناخته است. یکی از مسائل امنیت، امنیت اقتصادی است که مرجع و راهکارهای تحقق آن همواره مورد بحث قرار گرفته است. یکی از ارکان امنیت، صیانت از آن است. در این مقاله، امنیت اقتصادی در پرتوی فقه امامیه به روش توصیفی بررسی شده است و به این نتیجه رسیده‌ایم که فقه به امنیت اقتصادی توجه نشان داده و اقسامی از قواعد فقهی را برای صیانت از امنیت اقتصادی بیان کرده است که شامل موارد زیر می‌شود.

۱. قواعدی که تعرض به امنیت اقتصادی افراد را منع کرده است. ۲. قواعدی که بر امنیت اقتصادی افراد تأکید کرده است. ۳. قواعدی که امنیت اقتصادی افراد را محدود کرده است. ۴. قواعدی که ناظر بر لزوم جبران خسارت در صورت تعرض به امنیت اقتصادی افراد است. این مقاله به اختصار به بیان این قواعد پرداخته و به دنبال تحقق امنیت اقتصادی در پابندی به این قواعد فقهی در جامعه اسلامی است.

واژگان کلیدی

امنیت اقتصادی؛ فقه امامیه؛ قواعد فقه.

* دانشجوی دکتری، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، تهران، ایران.
z.eslami@live.com

** دانشیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
dr.majid.vaziri@gmail.com

*** استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، تهران، ایران
ali.b.nejad@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۲۶

مقاله برای اصلاح به مدت ۲۰ روز نزد نویسندگان بوده است.

مقدمه

بیان مسئله: امنیت یکی از نیازها و ضرورت‌های جوامع بشری در همه اعصار است (اخوان کاظمی، ۱۳۸۲، ص. ۶۱). این نیاز در اندیشه اسلامی نیز یکی از ضروری‌ترین و بزرگ‌ترین نعمت‌های مادی و معنوی برای حیات فردی و اجتماعی به شمار آمده است. امنیت از موضوعات بسیار مهمی است که در قرآن و روایات با مشتقاتی از ثلاثی «امن» آمده است. معمولاً این مفهوم را به معنای اطمینان و آرامش در برابر خوف تعریف و ترجمه کرده‌اند و به گستردگی به آن اشاره شده است (اخوان کاظمی، ۱۳۸۲، ص. ۶۱). در مطالعات علمی امروز، امنیت از جمله مواردی است که در شاخه‌های متعدد بررسی و تدقیق شده و در ابعاد مختلف سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، جغرافیایی، نظامی و اقتصادی مورد پژوهش قرار گرفته است و می‌گیرد. بحث ما ناظر به بعدی از امنیت است که می‌تواند مانند ریلی برای تأمین دیگر ابعاد امنیت مفید واقع شود و آن امنیت در بعد اقتصادی است.

امروزه برای امنیت چهار رکن ۱. امنیت از چه چیزی (منبع تهدید امنیت)، ۲. امنیت با چه چیزی (منبع تأمین امنیت)، ۳. امنیت برای چه چیزهایی (موضوع امنیت) و ۴. امنیت برای چه هدفی (مرجع امنیت) را قائل هستند (محقق داماد، ۱۳۹۲، ص. ۵۷).

کانون اصلی مطالعات امنیتی معطوف به مرجع امنیت است و انواع مختلفی برای آن در نظر گرفته می‌شود. مرجع امنیت از حیث سطح می‌تواند فرد (امنیت فردی)، جامعه (امنیت عمومی)، کشور (امنیت ملی) یا محیط بین‌المللی (امنیت بین‌المللی) باشد. از حیث موضوع و ابعاد نیز می‌تواند ناظر به امور نظامی (امنیت نظامی)، اقتصادی (امنیت اقتصادی)، فرهنگی (امنیت فرهنگی)، اجتماعی (امنیت اجتماعی)، سیاسی (امنیت سیاسی) یا زیستی (امنیت محیط‌زیست) باشد (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۹، ص. ۶۲).

دانش فقه به مشخص کردن مسیر زندگی واقعی انسان بر اساس مصالح و منافع واقعی با اقتضای آفرینش می‌پردازد و بر این پایه است که فقه نیاز به امنیت را مانند دیگر نیازهای ضروری بشر در نظر گرفته است و در تمام ابعاد و گوشه‌های آن کارایی دارد. با توجه به حریم بحث ما درباره تحقق این مهم در حقوق جمهوری اسلامی ایران، ناگزیر به استنباط آن از فقه امامیه در راستای تکیه‌گاهی پذیرفتنی و شایان ارائه برای حکومت ایران اسلامی هستیم.

اهمیت: چنان‌که گفته شد، اگر امنیت را از نیازها و ضرورت‌های اجتماعی و سیاسی و از همه مهم‌تر اقتصادی بدانیم، فقه امامیه باید درصدد کارشناسی و تدقیق پیرامون آن باشد. یکی از دلایلی که بر اهمیت این پژوهش می‌افزاید، این است که در شرایط کنونی کشور، یکی از دغدغه‌های کارگزاران نظام، تأمین بهینه معیشت مردم و حفظ امنیت اقتصادی آن‌هاست.

ضرورت: مطالعه مرجع امنیت در هر یک از سطوح و ابعاد و تقدم و تأخر هر یک از آن‌ها، نیازمند مبنای فکری است تا بتوان با اتکا به آن، الگویی تحقق‌پذیر را برای جامعه تبیین کرد. این یکی از ضرورت‌های این مطالعه است. بر این مناسبت که برای امنیت اقتصادی با تکیه بر فقه امامیه و در قالب الگویی منبعث از قواعد فقه، می‌توان به مراجع تأمین‌کننده آن پیشنهادهایی داد (جهان‌بزرگی، ۱۳۹۷، ص. ۱۱۷).

اهداف: بر اساس آنچه گذشت، هدف اصلی این پژوهش بررسی مقوله امنیت اقتصادی از منظر فقه امامیه است. این پژوهش ضمن تعریف امنیت و ابعاد و عناصر و انواع آن، مرجع امنیت اقتصادی را شرح می‌دهد و قواعدی را که فقهای شیعه برای گسترش امنیت اقتصادی ارائه داده‌اند، بیان می‌کند.

پرسش اصلی: پرسش اصلی این مقاله این است که مقوله امنیت اقتصادی از منظر فقه امامیه با تأکید بر قواعد فقهی چیست؟ پرسش فرعی را نیز می‌توان این‌گونه در نظر گرفت که اقسام متعدد قواعد فقهی که روابط اقتصادی را در قالبی متقن به تصویر می‌کشند، کدام‌اند؟ این قواعد چه قبض و بسطی در تدوین احکام اقتصادی برای تحقق امنیت اقتصادی دارند؟

۱. پیشینه تحقیق

امنیت انسانی، از مفاهیمی است که در تلاش برای فرارفتن از مفهوم سنتی امنیت و امنیت ملی مطرح شده است. در تعریف امنیت انسانی، اجماع نسبی بر سر تعریفی نسبتاً جامع از آن وجود دارد که شامل حراست از هسته حیاتی همه افراد بشر در مقابل تهدیدات شایع، سازگار با کمال و شکوفایی بلندمدت انسانها می‌باشد. در نوشتار حاضر تفاوت امنیت انسانی با مفاهیم قریب چون امنیت فردی، توسعه انسانی، حقوق بشر و توسعه پایدار بررسی می‌شود و در ادامه استراتژی‌های تحقق امنیت انسانی یعنی دو استراتژی حراستی و توانمندسازی مورد مطالعه و شرح قرار می‌گیرد. طرح و توضیح ایده امنیت انسانی، هم در بعد تئوریک و

هم به لحاظ سیاست‌گذاری حائز اهمیت است. از منظر تئوریک راه‌گشایی و افق‌گشایی آن در نگرش جامع‌تر و کامل‌تر به مقوله امنیت، قابل توجه است. به لحاظ سیاست‌گذاری نیز می‌تواند در تدوین استراتژی، تعیین (مجدد) اولویت‌ها و جابه‌جایی بعضی از آنها، اهمیت‌یافتن ابعاد نرم‌افزاری در کنار ابعاد سخت‌افزاری، تقویت جامعه و نهادهای مدنی و توجه به توزیع عادلانه‌تر منابع دخیل باشد. (محمد علی قاسمی، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال هشتم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۸۴، شماره ۳۰)

زارعشاهی (۱۳۷۹) در مقاله‌ای با عنوان «»، به رابطه میان ثبات سیاسی و امنیت اقتصادی اشاره دارد و اینکه ثبات سیاسی مقدمه ضروری و لازم برای نیل به امنیت اقتصادی است. اخوان کاظمی (۱۳۸۷) در مقاله‌ای با عنوان «امنیت اقتصادی و راهکارهای تأمین آن در آموزه‌های قرآنی و روایی»، به بررسی منابع قرآنی و روایی و بیان مفهوم متطور و پیچیده امنیت اقتصادی و سازوکارهای تأمین آن می‌پردازد.

با مطالعه تحقیقات حوزه امنیت اقتصادی این نتیجه به دست آمد که پژوهشی که راهکارهای فقهی امنیت اقتصادی را بررسی کرده و از این منظر به امنیت اقتصادی پرداخته باشد، در میان نیست. از این‌رو در این تحقیق به دنبال این هستیم که راهکارهای فقهی امنیت اقتصادی را از قواعد فقه امامیه بررسی کنیم و با این قواعد، بایدهای اقتصاد جامعه اسلامی برای تحقق امنیت اقتصادی را ترسیم کنیم.

۲. ادبیات نظری

۲-۱. تعریف امنیت

امنیت از حیث لغوی برابر Security، الامان و امن است. عالی‌ترین هدف امنیت، چگونگی ایجاد امنیت و مقابله با عوامل تهدیدکننده آن و بسط عوامل تأمین‌کننده امنیت یا راهبرد امنیتی هر کشور در دکنترین امنیت ملی کشورهای متعدد بحث و بررسی شده است. بدین معنا که هر کشوری با توجه به منابع تهدیدکننده امنیت و منابع و امکانات موجود برای تأمین آن، بهترین و مناسب‌ترین سازوکار را برای ایجاد امنیت اتخاذ می‌کند (جهانیان، ۱۳۹۵، ص. ۲۷).

درباره امنیت این موارد بررسی می‌شود؛ موضوع امنیت، متعلق امنیت و عوامل رفع تهدید امنیت در سیاست‌های امنیتی. به عبارت دیگر، چگونگی ایجاد امنیت بررسی می‌شود. امنیت

بررسی مفهوم امنیت اقتصادی با تکیه بر .../ محمد رضا گرگانی فیروزجانی و دیگران اقتصاد ایران و امنیت اقتصادی ۶

اقتصادی به معنای راهکارهای ایجاد محیط امن برای فعالیتهای اقتصادی بدون دلهره از تضييع سرمايه اوليه و تبعيض در بهره‌مندی از امکانات اقتصادی کشور است (جهان‌بزرگی، ۱۳۹۷، ص. ۸۰).

۲-۲. انواع امنیت

امنیت از جنبه‌های مختلف بدین صورت تقسیم می‌شود. ۱. امنیت از حیث قلمرو که به امنیت داخلی و خارجی تقسیم می‌شود. ۲. امنیت از حیث سطح که به امنیت فردی، عمومی، ملی و بین‌المللی تقسیم می‌شود. ۳. امنیت از لحاظ رویکرد که به امنیت سلبي (نبود تهدید) و امنیت ایجابی (ایجاد شرایط مناسب) تقسیم می‌شود. ۴- امنیت از حیث موضوع یا کارکرد که با توجه به تقسیم‌بندی رایج به شش دسته امنیت نظامی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی تقسیم می‌شود (روزبه، ۱۳۹۷، ص. ۶۱).

۲-۳. امنیت اقتصادی

مفهوم امنیت اقتصادی از سال ۱۹۴۵ مورد توجه نظام‌های سیاسی قرار گرفت و با پایان جنگ سرد به آن توجه روزافزونی شد و دانش‌پژوهان و سیاست‌گذاران ضمن تأیید ارتباط امنیت اقتصادی با ایمنی جامعه، به دنبال راه‌های جدید برای ورود موضوعات اقتصادی در راهبردهای سنتی دفاعی بودند؛ همچنان‌که بسیاری از کشورهای جهان سوم از شعار تأمین اقتصادی برای اصلاح موقعیت نامساعد خود بهره گرفته‌اند و می‌گیرند. در عرصه بین‌المللی، استفاده از امکانات اقتصادی به‌عنوان اهرمی کارساز، هم باعث آسیب‌پذیری بیشتر دولت‌ها و هم سبب رشد افزون‌تر اهمیت موضوع امنیت اقتصادی شده است؛ زیرا با جهانی شدن اقتصاد و افزایش هم‌بستگی اقتصادی واحدها، دولت‌ها بیش از هر زمانی برای تأمین نیازمندی‌های خود به یکدیگر وابسته هستند (اخوان کاظمی، مطالعات قرآن و حدیث، تابستان ۱۳۸۷، شماره ۲)

در میان این تعاریف می‌توان گفت رویکرد اسلامی به امنیت اقتصادی چیزی فراتر از این‌هاست. اسلام معتقد است که مسئله اقتصاد مادی است، اما رابطه مستقیمی با آرامش جامعه دارد که موجب می‌شود نگاه به امنیت اقتصادی تنها اقتصادی یا سیاسی نباشد، بلکه با نگاهی مرکب از سیاست، اقتصاد و اجتماع بدان پرداخته شود. بیگدلو امنیت را به دلیل اینکه دایره مفهومی گسترده و مفصلی دارد، با مفهوم بنیادی «الگوی سبک زندگی» بیان می‌کند. به تعبیر

ایشان، اجرا و پایبندی به این الگو که ساحت‌های مختلف زندگی اجتماعی را دربرمی‌گیرد، به معنای وجود امنیت است. به عبارتی، در هستی‌شناسی (چیستی) امنیت باید به «اجرا و پایبندی به الگوی سبک زندگی» اشاره شود (بیگدلو، ۱۳۹۴).

به تعریف شهید مطهری، اقتصاد سالم یعنی «اقتصادی که جریان ثروت و منابع اولیه به‌نحوی باشد که بر ثروت که یگانه وسیله مادی و پایه‌ای از پایه‌های زندگی است، بیفزاید و قدرت ملی را در تحصیل وسایل مادی و معنوی زندگی مضاعف کند».

طبق تعاریف پیش‌تر اشاره‌شده، امنیت اقتصادی به معنای حمایت از سطح پذیرفتنی ثروت و قدرت است که در بیان شهید مطهری، همین مفهوم در واژه اقتصاد سالم بیان شده است. آنچه نظر اسلام را فراتر از نظرهای دیگر اندیشمندان می‌کند، این است که امنیت اقتصادی فقط حول محور حمایت از وضعیت موجود و ثبات اقتصادی نیست، بلکه مفهوم امنیت اقتصادی با «حیات و قابلیت رشد و نمو ثروت» و با «تضاعف قدرت اقتصادی» در کنار «قائم به ذات و بی‌عیب و غیرقائم به غیر» بودن تعریف می‌شود (مطهری، ۱۳۸۹، ص. ۱۰۸).

می‌توان استنتاج کرد که امنیت اقتصادی - یا همان شرایط حیاتی اقتصادی - عبارت از برقراری نظم میان عوامل اساسی تهیه نیازهای معیشتی انسان یعنی منابع اولیه، تولید، توزیع کار و درآمد اعضای جامعه است؛ به‌طوری‌که نیازهای ضروری آن‌ها تأمین شود و آن‌ها از نبود یا حتی احتمال نبود این ضروریات احساس خطر نکنند و آرامش و آسایش آن‌ها سلب نشود. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دولت را موظف به پی‌ریزی اقتصادی درست و عادلانه طبق ضوابط اسلامی برای ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه، مسکن، کار، بهداشت، تعمیم بیمه، تأمین خودکفایی در علوم و فنون و صنعت و کشاورزی کرده است. به‌عبارت‌دیگر، امنیت اقتصادی به‌طور ساده عبارت است از اینکه مردم در اموالشان امنیت داشته باشند و دولت با عدل و انصاف از آن‌ها مالیات اخذ کند، احتکار در میان نباشد و قیمت‌ها متعادل باشد (جهان‌بزرگی، ۱۳۹۷، ص. ۵۱).

۲-۴. قواعد فقهیه

درباره قواعد فقهی و تعریف آن مباحث گوناگونی مطرح شده است. شیخ انصاری در مبحث استصحاب به مناسبت اینکه آیا استصحاب قاعده فقهی است یا اصولی، تعریفی از قاعده فقهی ارائه می‌دهد. ایشان معتقد است که قاعده فقهی، قاعده‌ای است که اجرای آن میان

بررسی مفهوم امنیت اقتصادی با تکیه بر ... / محمد رضا گروگانی فیروزجانی و دیگران اقتصاد ایران و امنیت اقتصادی ۸

مجتهد و مقلد مشترک است برخلاف قاعده اصولی که مختص به مجتهد است (مدنی تبریزی ۱۴۰۳ق، ص. ۱۱۲).

آیت الله مکارم شیرازی نیز قواعد فقهیه را این گونه تعریف می‌کند: «ان القواعد الفقهیه هی احکام عامه فقهیه تجری فی ابواب مختلفه و موضوعاتها» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۰، ص. ۵۶).

۲-۵. مفهوم امنیت اقتصادی در قواعد فقهیه

در قرآن کریم ایمان یا امنیت معنوی ضامن تأمین همه و جوه امنیت از جمله امنیت اقتصادی و زیربنای آن است. در قرآن، شهری که برخوردار از نعمت ایمان باشد، بنا به آیه شریفه ۱۱۲ سوره نحل، «وَصَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمَنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعَمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ»، سرزمین امن معرفی شده است. حتی در سوره فیل نیز به منت واضح و نعمت ظاهری که نمی‌توانند آن را انکار کنند، اشاره می‌کند که همان تأمین معاش قریش و امنیت آنان است که پیش‌تر در سرزمینی زندگی می‌کردند که نه نانشان تأمین بود و نه جانشان و نه سرزمین خرمی بود که دیگران بدانجا آیند و نه جان دیگران در آنجا تأمین می‌شد. پس باید ربی را بپرستند که این چنین به بهترین وجه امورشان را تدبیر و امنیتشان را تأمین کرد و او همان رب بیت است (طباطبایی، ۱۳۶۰، ج ۲۰، ص. ۶۳۱).

خداوند برای الگو و مثال، قریه مؤمن را مثال می‌زند که امن، آرام و مطمئن است و همواره روزی‌اش به‌طور وافر از هر مکانی رسیده است. یکی از مصادیق مهم واژه‌هایی مانند «نعمت»، «نعیم» و «برکات» در قرآن، امنیت است که نصیب مؤمنان و ایمان‌آوردگان می‌شود. برای مثال، علامه طباطبایی در بحث از آیه شریفه ۹۶ سوره اعراف، «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ»، به این معنا اشاره می‌کند و می‌نویسد برکات به معنای هر چیز کثیری از قبیل امنیت، آسایش، سلامتی، مال و اولاد است که غالباً انسان به فقدان آن‌ها مورد آزمایش قرار می‌گیرد (طباطبایی، ۱۳۶۰، ج ۸، ص. ۲۵۲).

۱. و خدا شهری را مثل زده است که امن و امان بود و روزیش از هر سو فراوان می‌رسید پس ساکنانش نعمت‌های خدا را ناسپاسی کردند و خدا هم به سزای آنچه انجام می‌دادند طعم گرسنگی و هراس را به مردم آن چشاند.
۲. و اگر اهل شهرها و آبادیها، ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند، برکات آسمان و زمین را بر آنها می‌گشودیم؛ ولی (آنها حق را) تکذیب کردند؛ ما هم آنان را به کیفر اعمالشان مجازات کردیم.

امنیت اقتصادی در دو جنبه سلبی و ایجابی تعریف می‌شود. جنبه سلبی آن عبارت از مصونیت افراد از تعرض و تجاوز به حقوق اقتصادی مشروعشان و جنبه ایجابی آن عبارت از ایجاد بسترهای لازم برای امکان تحقق آزادانه اهداف و خواسته‌های اقتصادی مشروع تمام افراد جامعه است.

از آنجاکه این پژوهش به مطالعه قواعد فقهیه می‌پردازد، می‌توان قواعدی را یافت که این وجوه سلبی و ایجابی را دربردارد. به این معنا که قواعد فقهی مربوط به حوزه اقتصاد جامعه را بر اساس این دو جنبه می‌توان در چهار دسته مورد مطالعه قرار داد.

۱. قواعدی که تعرض به امنیت اقتصادی افراد را منع می‌کند.
۲. قواعدی که امنیت اقتصادی افراد را مورد تأکید و تضمین قرار می‌دهد.
۳. قواعدی که امنیت و آزادی اقتصادی افراد را محدود می‌کند.
۴. قواعدی که ناظر بر لزوم جبران خسارت در صورت تعرض به امنیت اقتصادی افراد است.

برای تبیین این موارد، به بررسی آن‌ها و قواعدی که در هر دسته قرار می‌گیرد، پرداخته می‌شود.

الف. قواعدی که تعرض به حقوق اقتصادی افراد را منع می‌کند (وجه سلبی)

۱. قاعده لاضرر

معرفی قاعده: یکی از قواعد معروف فقهی که در مباحث مختلف فقه و حقوق آثار فراوانی دارد، قاعده «لاضرر» است. درباره مفهوم این قاعده اختلاف نظر فراوانی وجود دارد، اما به‌اجمال می‌توان گفت که با توجه به این قاعده، ضرر در اسلام مشروعیت ندارد. به این معنا که هم حکم ضرری در اسلام وضع نمی‌شود و هم اینکه در مقام عمل کسی نباید به دیگری ضرری وارد سازد. زیان به امنیت افراد همواره مورد نهی و حتی مورد مجازات اسلامی قرار گرفته است و امنیت اقتصادی نیز با توجه به اهمیت بسیاری که برای فرد و جامعه دارد، با توجه به این قاعده، بسیار مهم و خدشه به آن مورد نهی فقه قرار گرفته است (محقق داماد، ۱۳۹۲، ص. ۱۵۰).

جایگاه این قاعده در تحقق امنیت اقتصادی: قاعده لاضرر با تحدید اضرار چه در ناحیه ارائه خدمات اقتصادی و چه در سمت‌وسوی بهره‌مندی از خدمات، هرگونه مکر و حیل در

بررسی مفهوم امنیت اقتصادی با تکیه بر ... / محمد رضا گرگانی فیروزجانی و دیگران اقتصاد ایران و امنیت اقتصادی ۱۰

کسب سود را از ناحیه بایع و مشتری ممنوع و ضرر و زیان حاصل از سوءرفتار را در فعالیت‌های اقتصادی تحریم کرده است و معامله‌ای را که فرد خاطی با به کار بستن حیله و قصد اضرار به طرف مقابل منعقد کرده است، فاسد اعلام و فرد مسئول را ملزم به جبران خسارات حادث شده می‌کند. این کار اطمینان دو طرف معاملات را افزایش می‌دهد و موجب تأمین امنیت اقتصادی می‌شود.

۲. قاعده احترام مال و کار مسلمان

معرفی قاعده: یکی از قواعد کلیدی، پرکاربرد و عام در حوزه مسائل اقتصاد اسلامی، قاعده احترام است. مقصود از این قاعده، این است که مال مسلمان و نیز ثمره کار او باید از تصرف مجانی و تعدی غیر، مصون باشد. برخی فقها این نکته را یادآور شده‌اند که احترام مال مسلمان از دو جنبه است. نخست اینکه، متعلق این مال، فرد محترم است و دوم اینکه، نفس مال، محترم است و نباید هدر رود، اما برخی دیگر از محققان، احترام آن را فقط به خاطر مضاف‌الیه آن (مسلمان) می‌دانند. آنچه مدنظر فقه امامیه قرار دارد، احترام مال و کار هر فرد به معنی عام و فراگیر و بدون قید است (جهان‌بزرگی، ۱۳۹۷، ص. ۷۲).

جایگاه این قاعده در تحقق امنیت اقتصادی: این قاعده فقهی بیشتر جنبه اخلاقی و معنوی دارد و از مواردی است که در قانون‌گذاری اقتصادی باید مدنظر قانون‌گذار باشد؛ زیرا احترام به مال و کار مسلمان از آموزه‌های مورد تأکید دین مبین اسلام و فقه اهل بیت عصمت و طهارت است و چنانچه شخصی احترام به مال و کار فرد مسلمان را رعایت نکند، به نوعی ضرر بر مال و کار توسط آن فرد است که منجر به تضییع حق فرد مسلمان می‌شود و امنیت اقتصادی و مالی افراد را به طریق اولی مخدوش می‌کند. عدم پایبندی به این نکته، فعالیت اقتصادی و ثمره آن را ناامن می‌سازد. از این رو احترام به کار و فعالیت اقتصادی مسلمانان و ضرورت برخورد قضایی با پایمال‌کنندگان آن، یکی از ارکان اصلی تحقق امنیت اقتصادی جامعه است.

۳. قاعده کلمه بطل العقد یتحقق اجره المثل

معرفی قاعده: این قاعده که در واقع، از تجلیات و زیرشاخه‌های قاعده احترام است، به این معناست که چنانچه معلوم شود عقدی از ابتدا باطل بوده است، اما طرفین با توجه به مفاد آن اقدامی انجام داده‌اند، مستحق اجرت‌المثل آن خواهند بود. برای مثال، اگر عقود مانند

اجاره، مضاربه، جعاله و مانند آن‌ها به هر دلیلی دچار بطلان شود، هریک از طرفین که تا پیش از کشف بطلان عقد، از مال یا کار دیگری منتفع شده است، باید به همان میزان هزینه آن را بپردازد؛ زیرا هم مال و هم کار مسلمان محترم است و نمی‌توان به بهانه بطلان عقد و اجرت‌المسما، زحمات او را نادیده گرفت. تدقیق در این قاعده مبین این مهم است که امنیت اقتصادی افراد که بخشی از آن، تضمین اجرت‌المثل و حق‌الزحمه افراد است، باید تحت هر شرایطی محفوظ باشد (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۹، ص. ۲۱۸).

جایگاه این قاعده در تحقق امنیت اقتصادی: مشابه اصول ارائه‌شده در قاعده احترام به مال و کار فرد مسلمان، این قاعده نیز نکته‌ای را در تحقق امنیت اقتصادی لحاظ می‌کند و آن این است که در صورت بطلان معاملات، برای جلوگیری از ضرر به افراد متعامل، لزوم تسلیم اجرت آن کار برای افراد دخیل در معامله، اطمینان خاطر و امنیت را برای فعالیت اقتصادی به ارمغان می‌آورد و این تضمین را به دنبال دارد که اجرت افراد محفوظ بوده و بالتبع، امنیت در اقتصاد را نیز به دنبال خواهد داشت.

۴. قاعده وجوب التخلیه بین المال و مالک

معرفی قاعده: این قاعده نیز که از سویی به قاعده احترام بازگشت می‌یابد، به این معناست که اگر فردی به هر نحو بر مال دیگری بدون اذن و رضایت او استیلا یابد، واجب است از تصرف در آن اجتناب و از آن رفع ید کند تا مالک بتواند در مال خود تصرف مالکانه کند و مانعی برای استمرار استیفای او موجود نباشد (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۹، ج ۲، ص. ۵۰۳).

جایگاه این قاعده در تحقق امنیت اقتصادی: قاعده مطرح‌شده اطمینان خاطر برای افرادی است که مال خود را بدون رضایت و طیب خاطر و بنا بر دلایلی از دست داده‌اند و درصدد استیلا بر آن هستند. این قاعده با الزام به عودت مال از ید غاصب به مالک اصلی و همچنین، منع قانونی تصرف در آن توسط غاصب، این اطمینان را می‌دهد که مال مسلمانان در امنیت کامل و از استیلاي اجانب محفوظ است.

ب. قواعد ناظر بر لزوم جبران خسارت در صورت تعرض به امنیت اقتصادی افراد

مقدمه: یکی از مفصل‌ترین و مبسوط‌ترین مباحث فقهی، مباحث مربوط به ضمان و انواع مختلف آن است. از منظر مطالعات امنیتی، قواعدی را که به‌نوعی به ضمان مربوط می‌شود،

می‌توان قواعدی دانست که با هدف صیانت از حقوق اقتصادی مشروع افراد از تعرض دیگران وضع شده‌اند. ضمان بر سه قسم است.

۱. ضمان عقدی.
۲. ضمان قراردادی که به آن مسئولیت قراردادی نیز گفته می‌شود.
۳. ضمان قهری که به آن مسئولیت مدنی می‌گویند. در این بخش به قواعدی اشاره می‌شود که مبین نگاه عمیق فقه تشیع به تضمین امنیت و حقوق اقتصادی افراد است (کاتوزیان، ۱۳۸۲، ج ۱، ص. ۷۴).

۱. قاعده ضمان ید یا علی‌الید

معرفی قاعده: به عقیده فقها، مقتضای اولیه تصرف یا استیلا بر مال دیگری این است که متصرف در مقابل مالک، ضامن است؛ یعنی افزون‌بر اینکه مکلف به بازگرداندن عین در زمان بقای آن است، اگر مال مذکور تلف یا نقص و خسارت به آن وارد شود، باید از عهده خسارت وارد نیز برآید (ایروانی، ۱۳۹۱، ص. ۱۳۵).

جایگاه این قاعده در تحقق امنیت اقتصادی: این قاعده فقهی معرف این مسئله است که تا زمانی که مالی در ید فردی است، مسئولیت آن مال عاریه‌ای با فرد متصرف است و به تبع جبران خسارات احتمالی نیز بر عهده اوست. این نکته خود مساعد مقوله امنیت اقتصادی است و اطمینانی به صاحبان مال در کشور می‌دهد.

۲. قاعده الغرور

معرفی قاعده: این قاعده به این معناست که اگر از شخصی، کار یا کلامی صادر شود که باعث فریب و در نتیجه، ضرر دیگری شود، فرد غار مسئول جبران خسارت فرد مغرور است. جایگاه این قاعده در تحقق امنیت اقتصادی: هریک از طرفین معامله که به دلیل انجام فعلی سبب ضرر و مغرور شدن طرف مقابل شود مسئول جبران خسارت وارده است، زیرا فعل او یکی از علل اخلال در امنیت اقتصادی است که با لحاظ این قاعده و وضع قوانین جزایی حول محور آن، می‌توانیم تا حدودی در تحقق امنیت اقتصادی گام برداریم.

۳. قاعده اتلاف

معرفی قاعده: این قاعده نیز از قواعد مشهور فقهی و یکی از مهم‌ترین قواعد و به این معناست که هرکس مال دیگری را بدون اجازه او تلف یا مصرف کند، ضامن صاحب مال است (محقق داماد، ۱۳۹۲، ص. ۸۱).

جایگاه این قاعده در تحقق امنیت اقتصادی: قاعده، ضمانت جبران ضرر ناشی از اتلاف مال را برای فرد مسبب بیان می‌کند و لزوم جلب رضایت فرد متضرر را نشان می‌دهد که از مصادیق تحقق امنیت فعالیت اقتصادی است.

پ. قواعدی که امنیت اقتصادی افراد را مورد تأکید و تضمین قرار می‌دهد

در این بخش به وجه ایجابی امنیت اقتصادی افراد می‌پردازیم و قواعدی را بررسی می‌کنیم که بر سلطه و اختیار انسان بر امور اقتصادی‌اش تأکید می‌کند و آن را به رسمیت می‌شناسد.

۱. قاعده تسلط یا سلطنت

معرفی قاعده: این قاعده به این معناست که هر مالکی نسبت به مال خود تسلط کامل دارد و می‌تواند در آن هرگونه تصرفی اعم از مادی و حقوقی داشته باشد و هیچ‌کس نمی‌تواند او را بدون مجوز شرعی از تصرفاتش منع کند (محقق داماد، ۱۳۹۲، ص. ۲۲۶).

چگونگی تحدید تأکید و تضمین امنیت اقتصادی با این قاعده: تأکید قاعده بر مبارزه و مقابله با افرادی است که تسلط مالکان و متصرفان قانونی و شرعی اموال را مخدوش یا حتی در مواردی سلب یا سد می‌کنند. به تعبیر دقیق‌تر، امنیت مال افراد را زیر پا می‌گذارند. لزوم مراعات حق تسلط افراد بر مال خود و احترام به تصرفات آن‌ها و همچنین، پرهیز از دخل و تصرف در این حق، خود یکی از موارد تأمین امنیت اقتصادی است.

۲. قاعده اسقاط

معرفی قاعده: اسقاط عبارت است از گذشتن شخص از حقی که بر دیگری دارد یا فارغ کردن ذمه بدهکار از حقی که بر ذمه اوست برای همیشه. به عبارت دیگر، اسقاط عبارت است از عمل حقوقی یک‌جانبه (به‌طور ارادی و با قصد انشای یک‌طرفه) که به موجب آن، صاحب حق از حق خویش صرف‌نظر و چشم‌پوشی می‌کند و نقطه مقابل انتقال حق است (بحرالعلوم، ۱۳۸۷، ج ۱، ص. ۱۵).

چگونگی تحدید تأکید و تضمین امنیت اقتصادی با این قاعده: قاعده مطرح شده اطمینانی به افراد می‌دهد که هرگاه فرد صاحب حق در هر موضوعی در صورتی که حق خود را ساقط و از حق قانونی خود صرف‌نظر کند، دخل و تصرف در آن حق توسط افراد دیگر مباح و صحیح است و هیچ‌گونه عوارض و عواقبی نخواهد داشت، اما این اسقاط باید با طیب خاطر و به صورت منجز صورت پذیرد و تصرفات قبل اعلام اسقاط، نامشروع و خلاف قانون است.

۳. قاعده اعراض

معرفی قاعده: اعراض عبارت از رفع ید از ملک و صرف‌نظر کردن از آن یا سلب مالکیت از خود بدون نقل آن به دیگری است.

چگونگی تحدید تأکید و تضمین امنیت اقتصادی با این قاعده: قاعده مطرح شده مطابق مضمون قاعده قبل به نوعی است که اطمینانی به افراد می‌دهد که هرگاه فرد صاحب حق در هر موضوعی در صورتی که از حق خود اعراض و صرف‌نظر کند، به طبع دخل و تصرف در آن حق توسط افراد دیگر بدون اشکال است؛ به این شرط که اعراض باید با طیب خاطر و به صورت منجز باشد و تصرفات پیش از اعلام یا اعراض، نامشروع و خلاف قانون است.

۴. قاعده اقرار

معرفی قاعده: بر اساس مفاد این قاعده نیز مقتضای سلطنت یک فرد بر اموالش این است که بتواند هرگونه اقراری به ضرر خود بر این اموال صورت دهد. بر اساس ماده ۱۲۵۹ قانون مدنی، «اقرار عبارت از اخبار به حقی است برای غیر بر ضرر خود». بنابراین، «هرکس اقرار به حقی برای غیر کند، ملزم به اقرار خود خواهد بود» (ماده ۱۲۷۵ قانون مدنی) (شبیبری زنجانی، ۱۳۷۰، ص. ۴۶)

چگونگی تحدید تأکید و تضمین امنیت اقتصادی با این قاعده: اقرار دارای شرایطی است از جمله عقل، بلوغ، قصد و اختیار. چنانچه فرد با وجود این شرایط اقرار بر موضوعی کند، خواه در مسائل اقتصادی و خواه در مسائل جزایی و...، اقرار او مورد توجه قانون‌گذار قرار می‌گیرد و ترتیب اثر داده می‌شود. بدون شک این مقوله مهم در امور اقتصادی حائز اهمیت است و آثار متعددی برای مالک اصلی و متصرفان بعدی به دنبال دارد که در وهله اول، عدم هیچ‌گونه مسئولیت را برای مالک در صورت احراز اقرار در پی دارد و عدم معاقبه برای متصرفان در مال و سرمایه موضوع له را پس از تحقق اقرار به ارمغان می‌آورد.

ت. قواعدی که امنیت و آزادی اقتصادی افراد را محدود می‌کند

برای کشف مهم‌ترین این گزاره‌ها نیاز داریم که دسته دیگری از قواعد فقهی را نیز بررسی کنیم؛ قواعدی که محدودیت‌هایی را بر موارد فوق تبیین می‌کند. با دقت نظر در این محدودیت‌ها، تشخیص اهم و مهم است که می‌توان دریافت کدامین گزاره از بیشترین حمایت و صیانت برخوردار است و می‌توان عنوان مرجع امنیت را در این بعد و این سطح به آن اعطا کرد. قواعدی که چنین محدودیت‌هایی را تبیین می‌کند به این شرح است.

۱. قاعده حرمت اسراف

معرفی قاعده: یکی دیگر از قواعدی که آزادی و اختیار اقتصادی انسان و به عبارتی، سلطنت او بر اموالش را محدود می‌کند، قاعده حرمت اسراف است. در اسلام به‌رغم مشروعیت مالکیت خصوصی، مالک اختیار تام ندارد که در غیر مصالح خود یا اجتماع، مال را مصرف کند، آن را از بین ببرد یا از آن استفاده نامشروع کند؛ البته در کلام فقها و به‌ویژه فقهای سلف، بحث حرمت اسراف به‌صورت مستقل و جامع مطرح نشده و تنها به بررسی نمونه‌هایی از آن مانند حرمت یا عدم حرمت زینت مسجد، اسراف در آب وضو، وجوب یا عدم وجوب آبیاری درختان و زراعت و مانند آن بسنده شده است. ظاهراً نخستین کسی که از حرمت اسراف به‌صراحت و به‌صورت قاعده عام یاد کرده، مرحوم نراقی در عوائدالایام است (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۹، ص. ۵۹)

چگونگی تحدید امنیت و آزادی اقتصادی با این قاعده: صرفه‌جویی و پرهیز از اسراف و مصرف بی‌رویه، اصلی بسیار مهم در تحقق امنیت اقتصادی و حفظ زیرساخت‌های اقتصادی در سطح کلان جامعه اسلامی است که هم تمام منابع اقتصادی و طبیعی جامعه را برای مسلمانان محفوظ قرار می‌دهد و هم با پایبندی به آن، افراد از سرمایه‌های خود استفاده بهینه و عاقلانه خواهند داشت و امنیت مال و سرمایه خود را بیش از دیگران برای خود ایجاد می‌کنند.

۲. قاعده نفی سبیل

معرفی قاعده: قاعده‌ای که آزادی و اختیار اقتصادی افراد را هدف قرار می‌دهد و آن را محدود می‌کند، قاعده نفی سبیل است. این قاعده به این معناست که هر عملی که سبب شود که دشمنان دین یا غیرمسلمانان راهی برای سلطه و ولایت بر مسلمانان بیابند، حرام و برای

بررسی مفهوم امنیت اقتصادی با تکیه بر ... / محمدرضا گرگانی فیروزجانی و دیگران اقتصاد ایران و امنیت اقتصادی ۱۶

اطلاعات بیشتر است. بنابراین، هیچ فردی نمی‌تواند به بهانه آزادی اقتصادی و حمایت اسلام از سلطه و مالکیت او، امنیت اقتصادی کل جامعه اسلامی را نادیده بگیرد و برخلاف مصالح جامعه مسلمانان اقدام کند (روزبه، ۱۳۹۷، ص. ۶).

چگونگی تحدید امنیت و آزادی اقتصادی با این قاعده: لزوم توجه به این قاعده باز هم در مقوله امنیت اقتصادی در سطح کلان و پیشبرد اهداف جامعه اسلامی بسیار حائز اهمیت و ستون تحقق امنیت اقتصادی برای جامعه اسلامی است؛ زیرا هرگونه رابطه‌ای در محیط اقتصادی به‌گونه‌ای که سبب تسلط و غلبه کفار و دشمنان اسلام بر مسلمانان شود، حرام و نه‌تنها مخل امنیت اقتصادی است، بلکه مخل تحقق و مشروعیت فعالیت‌های اقتصادی نیز است و همواره، هم دولتمردان و هم مسلمانان باید به این مهم توجه وافر داشته باشند؛ زیرا عامل اصلی تحقق امنیت اقتصادی، شناخت نقشه دشمن و مقابله با مبانی او در عرصه اقتصادی است.

۳. قاعده حفظ نظام

معرفی قاعده: قاعده حفظ نظام از دو جنبه امنیت اقتصادی افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. یکی اینکه، این قاعده افراد را از تصرف و تسلط اموالشان منع می‌کند و تنها برخی از جلوه‌های تصرف مالک بر مالش را مجاز می‌داند. دیگر اینکه این قاعده افراد را برخلاف میل و رضایت قلبی به کاری وادار می‌کند که از آن با عنوان واجبات کفایی سخن به میان می‌رود (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص. ۱۹۴).

چگونگی تحدید امنیت و آزادی اقتصادی با این قاعده: حفظ نظام اسلامی مهم‌ترین مقوله در فقه اهل بیت عصمت و طهارت (ع) است که باید همواره به آن اهتمام فکری و فعلی داشت. بی‌شک از موارد مهم آن، تحقق امنیت اقتصادی، مشروع بودن فعالیت اقتصادی و اهتمام مسلمانان به مبانی و قواعد اقتصادی اسلام عزیز است.

نتیجه‌گیری

در این تحقیق همان‌طور که بیان شد، مفهوم امنیت اقتصادی مورد تدقیق و تحقیق قرار گرفت و مفهوم این مقوله با تکیه بر قواعد فقه امامیه بررسی شد. فقه در عین تضمین و پاسداری از امنیت اقتصادی چه در عرصه فردی و چه در عرصه اجتماعی، همواره بر مبانی مهمی از جمله رعایت حریم اقتصادی افراد و پیشگیری از اضرار به خود و دیگران تأکید دارد و معتقد است

که امنیت اقتصادی تنها ناظر به امنیت فرد و شخص حقیقی نیست، بلکه مسلمان باید همواره در صدد بسط امنیت اقتصادی برای جامعه بشری نیز بکوشد.

فقه امامیه با نگاه ژرف‌اندیش خود، مباحثی را در راستای تحقق امنیت اقتصادی مطرح می‌کند که می‌توان با تحصیل آن‌ها، مسیر امن ساختن بستر حیاتی اقتصاد را تحقق بخشید و در عین سادگی و بی‌آلایشی، بزرگ‌ترین محیط رشد دنیای مادی بشری یعنی مجموعه فعالیت‌های اقتصادی را از گزند عدم اطمینان بیمه کرد.

ما در این پژوهش مجموعه مختصری از قواعد فقهی شیعه را که هم تضمین‌کننده و هم کنترل‌کننده حریم اقتصادی فرد و جامعه است، تشریح و به‌وضوح بیان کردیم که نگاه به امنیت اقتصادی زمانی بی‌هزینه است که فرد نه تنها متضرر نشود، بلکه ضرری را هم به نام فعالیت‌های اقتصادی خویش به افراد دیگر یا جامعه تحمیل نکند.

بر مبنای دستاوردهای این پژوهش، می‌توان خلاصه‌ای از سازوکارهای تأمین امنیت اقتصادی را به شرح زیر بیان کرد:

۱. حفظ و تقویت ایمان جامعه و انجام دادن تمهیدات و بسترسازی لازم حکومت برای بالندگی و ارتقای آن در راستای دستیابی به امنیت جامعه.
۲. نفی هرگونه تعدی و تجاوز به حقوق فردی و عمومی و حرمت و مصونیت کامل مال و سرمایه افراد و محترم شمردن مالکیت خصوصی در مسیر وصول به جامعه ایمانی و حیات حسنه همراه با تلاش.
۳. رعایت اصول عدالت و انصاف و حاکمیت‌بخشی به آن‌ها در همه معاملات و دادوستدهای اقتصادی و وضع موازین عادلانه در معاملات.
۴. شکوفاسازی اقتصاد و توجه به تولید، کار و تلاش.
۵. توزیع سرمایه و جلوگیری از تمرکز و تکاثر ثروت.
۶. جلوگیری از پدیده منفور و ناامن‌کننده ربا.
۷. افزایش قدرت، توانمندی و اقتدار اقتصادی به‌عنوان یکی از اهرم‌های مهم دفاع در مقابل دشمنان و تهدیدکنندگان.
۸. جلوگیری از اسراف و تبذیر و مقابله با رفاه‌زدگی.
۹. حاکمیت‌بخشی به قاعده نفی سبیل در معاملات و مراودات اقتصادی.

بررسی مفهوم امنیت اقتصادی با تکیه بر .../ محمد رضا سمرگانی، فیروزجانی و دیگران اقتصاد ایران و امنیت اقتصادی ۱۸

در جدول زیر مفهوم امنیت اقتصادی در قواعد فقهیه به طور خلاصه آورده شده است.

قاعده لاضرر	الف. قواعدی که تعرض به حقوق اقتصادی افراد را منع می‌کند (وجه سلبی)	مفهوم امنیت اقتصادی در قواعد فقهیه
قاعده احترام مال و کار مسلمان		
قاعده كلما بطل العقد یتحقق اجره المثل		
قاعده وجوب التخلیه بین المال و مالک		
قاعده ضمان ید یا علی الید	ب. قواعد ناظر بر لزوم جبران خسارت در صورت تعرض به امنیت اقتصادی افراد	
قاعده الغرور		
قاعده اتلاف		
قاعده تسلیط یا سلطنت	پ. قواعدی که امنیت اقتصادی افراد را مورد تأکید و تضمین قرار می‌دهد	
قاعده اسقاط		
قاعده اعراض		
قاعده اقرار		
قاعده حرمت اسراف	ت. قواعدی که امنیت و آزادی اقتصادی افراد را محدود می‌کند	
قاعده نفی سبیل		
قاعده حفظ نظام		

کتابنامه

اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۲). *عدالت در اندیشه‌های سیاسی اسلام*. ایران: بوستان کتاب.
 افتخاری، اصغر؛ و خورشیدی اطهر، امیرحسین (۱۴۰۰). رابطه نفت و امنیت اقتصادی جمهوری اسلامی ایران؛ تبیین و ارائه راهکاری برای آینده پیش‌رو. *مطالعات امنیت اقتصادی*. ۱(۳)، ۳۲-۱.

ایروانی، باقر (۱۳۹۱). *دروس تمهیدیه فی الفقه الاستدلالی*. ایران: نصایح.

بحرالعلوم، سیدمحمد مهدی (۱۳۸۷). *مصابیح الاحکام*. ایران: فقه‌الثقلین.

تمیمی آمدی، عبدالواحد (۱۳۶۱). *غررالحکم و دررالکلم*. قم: دارالکتاب الاسلامی.

جهان‌بزرگی، احمد (۱۳۹۷). *امنیت در نظام سیاسی اسلام*. ایران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه.

- جهانیان، ناصر (۱۳۹۵). امنیت اقتصادی از دیدگاه اسلام و راهبردهای آن. ایران: نور علم.
- روحانی، محمود (۱۳۳۸). المعجم الاحصایی لالفاظ القرآن الکریم (فرهنگ آماری کلمات قرآن کریم). ایران: آستان قدس رضوی.
- روزبه، حسین، (۱۳۹۷). امنیت اقتصادی؛ بعد فراموش شده امنیت ملی. ایران: دانشگاه جامع امام حسین (ع).
- شیرازی، سیداحمد (۱۳۷۰). آراء الامامیه. ایران: دار زین العابدین.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۶۰). المیزان فی التفسیر القرآن (موسوی همدانی، مترجم). ایران: بنیاد علمی و فرهنگی علامه.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۲). الزامهای خارج از قرارداد مسئولیت مدنی. ایران: دانشگاه تهران.
- محقق داماد، سیدمصطفی (۱۳۹۲). قواعد فقه. ایران: مرکز نشر علوم انسانی.
- موسوی بجنوردی، سیدمحمد (۱۳۸۹). قواعد فقهیه. ایران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.
- موسوی خمینی، سیدروح الله (۱۳۷۲). ولایت فقیه. ایران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- هاشمی شاهرودی، سیدمحمد (۱۳۸۹). درس خارج اصول. اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه
- زارعشاهی، احمدعلی (۱۳۷۹). بی‌ثباتی سیاسی و امنیت اقتصادی؛ و تأثیر آن عوامل تولید در ایران. مطالعات راهبردی، ۲(۷ و ۸)، ۲۲۱-۲۴۲.
- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۷). امنیت اقتصادی و راهکارهای تأمین آن در آموزه‌های قرآنی و روایی. مطالعات قرآن و حدیث، ۱(۲)، ۱۸۳-۲۱۵. doi: 10.30497/quran.2008.969
- بیگدلو، مهدی؛ باقری، علیرضا (۱۳۹۴). نقش اعتماد و امنیت عمومی در توسعه پایدار اقتصادی جمهوری اسلامی ایران. پژوهش‌نامه نظم و امنیت انتظامی، ۸(۲۸)، ۱۵۷-۱۹۲.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۰). نظری به نظام اقتصادی اسلام. ایران، تهران: صدرا.
- مدنی تبریزی، یوسف (۱۴۰۳ق). درر الفوائد فی شرح الفرائد (جلد ۳). ایران، قم: مکتب بصیری.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۹۲). القواعد الفقهیه (جلد ۲). ایران، قم: اسلامی.